

www.csr.ir

چالشهای مشارکت در حوزه سایبراسپیس

## دموکراسی دیجیتال\*

دکتر احمد گل محمدی

هر چند ویژگیهای گوناگون و پرشماری را می توان برای جهان معاصر شناسایی کرد، بی گمان ارتباطات و اطلاعات محوری یکی از ویژگیهای برجسته آن به شمار می آید. امروزه پیشرفت و گسترش پرشتاب فن آوریها هیچ مقاومتی را بر نمی تابد و هزینه زمانی لازم برای برقراری ارتباط به نحو غیرقابل تصور کاهش می یابد. به نظر می رسد در این همآوردی، زمان چاره ای جز تسلیم محض ندارد و به قول هاروی، «نابودی» آن گریزناپذیر است. برای فضا هم سرنوشت مشابهی رقم می خورد و به نحو بی سابقه ای فشرده و کوچک می شود.

بدین ترتیب فن آوریهای ارتباطی بادستکاری زمان و فضا دنیایی پدید می آورد که بسیار کوچک و فشرده است. این دنیا دنیای دیجیتال است که

\* . مقاله حاضر به نقد و بررسی کتاب زیر پرداخته است:  
 Anthony G. Wilhelm, **Democracy in the Digital Age**, (New York: Routledge, 2000).

ارتباطات، ویژگی دیگر جهان معاصر را تعیین می‌کند که همان اطلاعات محوری است. آنچه در شبکه‌های بسیار گسترده ارتباطی جریان دارد حجم بسیار عظیمی از اطلاعات است که لحظه به لحظه بر شمار آن افزوده می‌شود. همین حجم عظیم تولید، توزیع و مصرف اطلاعات جهان معاصر را به جهان اطلاعات محور تبدیل کرده است.

این گونه تحولات در عرصه فن‌آوریهای ارتباطی و پیامدهای بسیار فراگیر، پایدار و عمیق آنها در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی سالهاست که به مشغله ذهن نظریه پردازان و پژوهشگران مختلف تبدیل شده است.

جامعه‌شناسان، فلاسفه و اندیشمندان دیگر علوم انسانی و اجتماعی کوشیده‌اند تحولات نامبرده را در قالب‌های نظری مفهوم‌بندی و تصویر گویاتری از جهان معاصر و جوامع واقع در آن ترسیم کنند. گرچه آنان دستاوردهای نظری و تجربی متفاوتی دارند و مفاهیم یا عبارتهای مختلفی مانند «جامعه اطلاعات» (دانیل بل)<sup>(۱)</sup>، «جامعه شبکه‌ای» (مانوئل کاستلز)<sup>(۲)</sup>، «جامعه ریسک» (بک)<sup>(۳)</sup>، «جامعه رفلکسیو» (گیدنز)<sup>(۴)</sup>، و از این قبیل برای توصیف پدیده مورد بررسی خود به کار می‌برند، جملگی بر این باورند که نتیجه پیشرفت بی‌وقفه در عرصه فن‌آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی شکل‌گیری فضایی مجازی و دیجیتالی است که قلمرو آن روز به روز گسترش یافته، انسانهای بیشتری را دربرمی‌گیرد.

بدین ترتیب فن‌آوریهای ارتباطی و

اطلاعاتی، به واسطه پدید آوردن فضایی مجازی و دیجیتال، ابعاد و وجوه گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده، پرسشها و موضوعهای جدیدی را پیش می‌آورد که پژوهشگران و نظریه پردازان حوزه‌های مختلف باید به آنها بپردازند. بی‌گمان پژوهشگران و نظریه پردازان عرصه علم سیاست از این قاعده مستثنی نیستند، چرا که سیاست هم تحت تأثیر فن‌آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی قرار می‌گیرد و راه‌گریز از زندگی سیاسی در فضای مجازی وجود ندارد. «آنتونی ویلهلم» از این دسته پژوهشگران است که شرایط و چالشهای زندگی سیاسی در فضای مجازی را بررسی می‌کند.

هر چند تأثیر فن‌آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی در زندگی سیاسی بسیار فراگیر است و وجوه مختلف تولید، باز تولید و توزیع قدرت را دربرمی‌گیرد، ویلهلم فقط یک جنبه آن را مورد بررسی قرار می‌دهد که البته جنبه‌ای مهم است: رابط میان حوزه عمومی و فن‌آوریهای ارتباطی/اطلاعاتی. دغدغه اصلی او مسائل و پیچیدگیهایی است که در سایر دموکراسی شکل می‌گیرد. به بیان دیگر نویسنده کتاب می‌خواهد نشان دهد که قابلیت و توانایی فن‌آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی جدید به ویژه پست‌الکترونیکی و اینترنت در تضعیف و یا تقویت دموکراسی تا چه اندازه است.

البته ویلهلم به هیچ روی پیشگام این حوزه پژوهش نیست و صاحب‌نظران و کارشناسان دیگری هم آثار و پیامدهای سیاسی این گونه فن‌آوریها را بررسی کرده‌اند و به همین دلیل او

علوم سیاسی، ارتباطات، مطالعات رسانه‌ای، رفتار سازمانی، فلسفه و روانشناسی اجتماعی است. ویلهلم پس از معرفی پیشینه موضوع و نقد دیدگاهها و برداشتهای مسلط موجود، به بررسی چالشهای فراروی دموکراسی در عصر دیجیتال می‌پردازد و برپایه ویژگیهای دموکراسی در زمان کنونی، موانع و عوامل بازدارنده دموکراسی را بررسی می‌کند. هر چند این چالشها یا موانع پرشمار و گوناگون هستند، نویسنده کتاب آنها را به سه دسته کلی تقسیم کرده، به هر کدام فصلی را اختصاص می‌دهد.

نخستین مورد به پیش‌نیازها و منابع مهارتی افراد مربوط می‌شود. هر اندازه فن‌آوریهای ارتباطاتی و اطلاعاتی پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر می‌شود، استفاده از آنها نیز تخصصی‌تر می‌شود. امروزه، استفاده از رایانه، اینترنت، تلفن همراه و حتی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای نیازمند میزانی از مهارت (سواد، آموزش، زبان و...) است. بنابراین هر گونه اختلاف و نابرابری در مهارت و توان استفاده از فن‌آوریهای ارتباطاتی و اطلاعاتی به نابرابری مشارکت در حوزه‌ها و فضاهای عمومی مجازی می‌انجامد که آن هم از عوامل مخدوش‌کننده دموکراسی است.

حتی اگر فرد مهارت لازم برای بهره‌برداری از ابزارهای مشارکت در حوزه‌های عمومی مجازی یا سایبراسپیس را داشته باشد، مشارکت او تضمین نخواهد شد، زیرا باید ابزارها و امکاناتی وجود داشته باشد تا بتوان از آن استفاده کرد. امکان شرکت در بحثهای مربوط به مسائل عمومی از طریق اینترنت در صورتی میسر می‌شود

بحث خود را با معرفی پیشینه موضوع و نقد و ارزیابی آثار موجود آغاز می‌کند. به نظر نویسنده دوبرداشت یا دیدگاه مسلط در این زمینه وجود دارد (آینده‌گرایی و تکنورالیسم) که هیچ‌کدام قادر به ترسیم تصویری درست و گویا از پدیده مورد بررسی نیستند.

آینده‌گرایان جدید به طور کلی بر این باور هستند که «هر چه جدیدتر بهتر» و برپایه همین باور نسبت به کار ویژه و تأثیر هر گونه فن‌آوری جدید بسیار خوش بین هستند. از این لحاظ آنان معتقدند که فن‌آوریهای ارتباطاتی و اطلاعاتی، به ویژه پست الکترونیک و اینترنت، به پایدارتر، نیرومندتر و گسترده‌تر شدن حوزه عمومی کمک می‌کند و بی‌گمان هر اندازه حوزه عمومی نیرومند و گسترده‌تر باشد، دموکراسی و نهادهای دموکراتیک کارآمدتر خواهند بود. ولی تکنورالیستها دیدگاه کاملاً مخالف دارند و نسبت به هر نوع فن‌آوری بدبین هستند.

به نظر نویسنده همین خوش‌بینی و بدبینی مفرط باعث می‌شود هیچ‌کدام از آنان نتوانند پیچیدگیهای تأثیر فن‌آوریهای ارتباطاتی / اطلاعاتی جدید را به درستی درک کنند. نبود پایه و اساس تجربی هم دیگر ایراد موجود است که ویلهلم یادآور می‌شود و بر مبنای همین کاستیها و ایرادات، بررسی خود را سازماندهی می‌کند. به بیان دیگر او برای برطرف ساختن این کاستیها به مطالعات تجربی متوسل می‌شود و می‌کوشد تحلیل خود را بر داده‌ها و یافته‌های واقعی استوار سازد. ویژگی دیگر کتاب هم بین رشته‌ای بودن و بهره‌برداری از رشته‌هایی مانند

که فرد رایانه‌ای در اختیار داشته باشد. بنابراین نحوه و میزان توزیع فن‌آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی در جوامع، بی‌تردید در قبض و بسط دموکراسی و مشارکت سیاسی دموکراتیک مؤثر خواهد بود. این پدیده همان چالش دوم دموکراسی است که نویسنده با عبارت «تمایز و شکاف میان داراها و ندارهای ارتباطی-اطلاعاتی» مفهوم‌بندی می‌کند.

البته رابطه معکوس میان نابرابری و دموکراسی موضوع جدیدی نیست و نظریه‌پردازان مختلف نابرابریهای اجتماعی را همواره به عنوان یکی از موانع اصلی مشارکت سیاسی و بنابراین دموکراسی معرفی کرده‌اند، هرچند نابرابریهایی که ویلهلم از آنها سخن می‌گوید با نابرابریهای گذشته تفاوت دارد. ولی سومین مانع یا چالش دموکراسی پدیده‌ای کاملاً جدید است و به ساخت و ویژگی سایبراسپیس یا فضاهای مجازی ایجادشده به واسطه فن‌آوریهای ارتباطی-اطلاعاتی مربوط می‌شود.

این گونه فضاهای عمومی مجازی، مانند فضاهای واقعی، بستر مناسبی برای انواع گوناگون فعالیت‌های سیاسی هستند و افراد می‌توانند در چارچوب آنها به گروه‌های منفعتی بپیوندند، رأی دهند، یا در بحثها و تبادل نظرها شرکت کنند. ولی درعالم واقع چنین فعالیت‌هایی به ندرت صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، گرچه فن‌آوریهای ارتباطی/اطلاعاتی حوزه‌های عمومی مجازی ایجاد می‌کنند، برخلاف تصور آینده‌گرایان، این حوزه‌های عمومی ضامن دموکراسی پایدار و کارآمد نیستند. بررسیها و

داده‌های مختلف حکایت از آن دارند که این گونه فضاهای مجازی عمدتاً فضاهایی هستند برای مکالمات و گفتگوهای کوتاه‌مدت، به ویژه میان افراد همفکر و مشورت‌های پایدار و معطوف به مسائل عمومی تر بسیار نادر است. بنابراین به نظر نویسنده چنین فضاهایی در واقع حوزه‌هایی برای حل مسائل، شرکت در کنش جمعی و عرضه پیشنهاد برای دولت نیست.

با توجه به همین چالشهای فراروی «دموکراسی در عصر دیجیتال»، ویلهلم بحث بعدی خود را به بررسی راه‌کارهایی اختصاص می‌دهد که هم نابرابری دسترسی به ابزارها و امکانات ارتباطی/اطلاعاتی را کاهش دهد، هم فضاهای مجازی را تا حد امکان به حوزه‌هایی برای فعالیت و مشارکت سیاسی پایدار و معطوف به مسائل و منافع فراگیرتر تبدیل کند. البته او می‌کوشد پیشنهادهایی مطرح کند که در عین عملی بودن، با اصول و مبانی دموکراسی هم در تضاد و تعارض نباشد.

مؤثرترین راه برای تعدیل نابرابری در دسترس به ارتباطات و اطلاعات یا شکاف میان «داراها و ندارهای اطلاعاتی»، ایجاد مراکز و امکانات ارتباطی / اطلاعاتی در مکانهای عمومی مانند کتابخانه‌ها و مراکز شلوغ شهرها و روستاهاست. هر اندازه این گونه مکانها بیشتر شود اختلاف و تفاوت میان داراها و ندارهای اطلاعاتی با صرف زمان اندک و پیمودن مسافتی کوتاه تا حدود زیادی حل می‌شود. ولی این راه‌کار فقط امکان ورود به فضاهای عمومی مجازی را فراهم می‌سازد و ضامن فعالیت‌هایی

سازگار با دموکراسی نیست. فن آوریها و زندگی دیجیتالی تهدیدی جدی برای تعدیل موانع و کاستیهای موجود در این حوزه، ویلهلم دسته دیگری از راه کارها را پیشنهاد می کند. در واقع این دسته از راه کارهای پیشنهادی برای تقویت جنبه های مشورتی، پایدارتر کردن ارتباطات و مشارکتها و بهبود کیفیت گفتگوهای سیاسی با واسطه های دیجیتالی است. نخستین پیشنهاد او ایجاد نوعی حق پاسخگویی است به گونه ای که شرکت کنندگان در یک گفتگو مجبور باشند از آرا و دیدگاههای خود در برابر انتقادات دیگران دفاع کنند. چنین راه کاری در عین حال که کیفیت گفتگو را بالا می برد، زمینه ساز نوعی گفتگوی پایدار نیز است. در کنار این کار، باید هیئتهایی را تأسیس و تشویق کرد که به بحثهای بی هدف سازمان و جهت بدهند. افزون بر این، باید گفتگوهای میزگرد گونه را تسهیل کرد تا در قالب آن اعضای گروه و ادار شوند دیدگاههای بدیل و مخالف را هم بشنوند.

از دیدگاه ویلهلم اگر این راه کارها اجرا و عملی شوند، فضای مجازی ایجاد شده به واسطه فن آوریهای جدید ارتباطاتی/اطلاعاتی به بستری مناسب برای انجام فعالیتهای گوناگون مقوم دموکراسی تبدیل می شود. به بیان دیگر اگر افراد جامعه از لحاظ پیش نیازهای کاربرد فن آوریها و ابزارهای ارتباطاتی/اطلاعاتی نسبتاً برابر باشند، فن آوریها و ابزارهای مورد نظر به صورتی نسبتاً عادلانه توزیع شوند و تمهیدات مناسبی برای تعدیل یا جلوگیری از فعالیتهای غیرسیاسی در فضاهای مجازی اندیشیده شود،

فن آوریها و زندگی دیجیتالی تهدیدی جدی برای دموکراسی نخواهد بود. پس کاملاً آشکار است که موضوع ویلهلم درباره فن آوریهای ارتباطاتی / اطلاعاتی و دموکراسی واقع بینانه تر است. او نه مانند آینده گرایان خوشبین است و نه مانند تکنورالیستها بدبین، بلکه با درک پیچیدگیهای این رابطه و یا تأثیر و تأثر، تصویری گویاتر از پدیده مورد بررسی خود ترسیم کرده است. به نظر او از لحاظ شکل گیری یک حوزه عمومی و بنابراین دموکراسی پایدار، فن آوریهای جدید به همان اندازه که تهدیدکننده هستند تسهیل کننده نیز هستند. این فن آوریها امکانی را برای «عملکرد دموکراتیک در حوزه عمومی» فراهم می آورند که فعلیت بخشیدن به آن نیازمند شرایط و مقدمات دیگری است.

ولی تأمل در مورد چنین شرایط و مقدماتی، حکایت از آن دارد که حتی این موضع واقع بینانه، بینابین، تحلیلی، تجربی و بین رشته ای ویلهلم به جایگاه دموکراسی در دنیای دیجیتالی چندان هم خالی از ایراد نیست و او نتوانسته است آن چنان که باید و شاید، پیچیدگیهای رابطه و تأثیر فن آوریهای جدید و دموکراسی را بیان کند. تصویری که او از وضع حوزه عمومی و دموکراسی در جهان زیر سیطره فن آوریهای ارتباطاتی/اطلاعاتی ترسیم می کند هر چند ممکن است برای علاقه مندان به سرنوشت آینده دموکراسی امیدوارکننده باشد، به همان اندازه هم مایه غفلت و ناآگاهی از راه بسیار دشوار و سنگلاخ دموکراسی در سالهای آغازین هزاره سوم

آن اتفاق جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب یکی از پیش‌نیازهای اصلی دموکراسی کم‌کم در دنیای مجازی از بین می‌رود.

نکته دیگری که می‌توان محور نقد دیدگاه ویلهلم درباره دموکراسی در دنیای دیجیتال قرار داد به حوزه‌های عمومی یا فضاهای مجازی مربوط می‌شود. هر چند ویلهلم به تفصیل درباره فضاهای مجازی ایجاد شده به واسطه فن‌آوریهای ارتباطی/اطلاعاتی سخن می‌گوید و تشریح می‌کند که چه موانعی بر سر راه تبدیل چنین فضاهایی به حوزه فعالیتها و تبادلات دموکراتیک وجود دارد، باز ناگفته‌ها در این مورد بسیار است. تردیدی نیست که فن‌آوریهای جدید، حوزه‌های عمومی بسیار فراخ و گسترده‌ای ایجاد می‌کنند، ولی برخلاف دیدگاه ویلهلم این حوزه‌ها ماهیتاً فضای مناسبی برای بحث مشاوره و تبادل نظر دموکراتیک نیستند.

بی‌گمان اندیشه و تأمل، و اندرکنش میان افراد دو ویژگی اصلی بحث و مشورت دموکراتیک است. در نگاه نخست به نظر می‌رسد که فضاهای مجازی بستر مناسبی برای این گونه تبادلات دموکراتیک است، زیرا هیچ مانع فنی برای گسترش حوزه اندرکنش و تأمل وجود ندارد. ولی واقعیت خلاف این است. در حالی که پاسخها و اندرکنشهای واقعی و جدی در دنیای مجازی امکان‌پذیر است، این پاسخها و واکنشها عمدتاً یک سویه و تک‌خطی است. همچنین علی‌رغم نبود محدودیت فنی برای تأمل و اندیشه، نوعی اضطراب در ارتباطات دیجیتالی وجود دارد و اینترنت انسان را به برقراری ارتباط

می‌شود. به همین دلیل در بندهای پایانی این نوشتار برخی ایرادات و کاستیهای اثر مورد بررسی را فهرست‌وار بیان می‌کنیم.

ویلهلم نیک می‌داند که نابرابری و شکافهای اجتماعی عمیق و جدی از موانع اساسی دموکراسی است. به همین دلیل از تأثیر فن‌آوریهای ارتباطی/اطلاعاتی بر برابری سخن می‌گوید و راه‌کارهایی را برای کاهش دادن نابرابری دسترسی به امکانات و ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی پیش می‌نهد. ولی تنوع و گوناگونی هم به اندازه برابری برای شکل‌گیری یک دموکراسی پایدار و کارآمد مؤثر است و بررسی وضع دموکراسی در جهان معاصر بدون توجه به این موضوع ناقص خواهد بود؛ موضوعی که ویلهلم معترض آن نمی‌شود و تأثیر انقلاب ارتباطی/اطلاعاتی بر گوناگونی را بررسی نمی‌کند.

هر چند دنیای مجازی مورد بررسی ویلهلم پر است از گوناگونی، و انسانها، مکانها و افکار جدید و متنوعی را در بر می‌گیرد، معمولاً کاربران وارد جایی در این دنیای مجازی فراخ می‌شوند که با علایق و خواستههای آنان انطباق دارد. به همان اندازه که دوست پیدا کردن در دنیای مجازی آسان است، برخورد با انسانهای دارای علایق و سلیق متفاوت دشوار است، زیرا این کار نیازمند منابع و تواناییهایی است که اکثر افراد ندارند. پس علی‌رغم ادعاهای مختلف در مورد اینکه دنیای مجازی، فرد را به گوناگونی فراوان راه می‌برد، در عالم واقع، محدودیتهای تحمیل شده بر توانایی ما به پردازش اطلاعات، به نحو‌گریزناپذیری از

در کشورهای غیردموکراتیک مربوط می شود. اگر دموکراسی را کارآمدترین شیوه برای مهارت قدرت و نظارت بر نحوه اعمال آن بدانیم، بی گمان باید گفت فن آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی جدید نقش بسیار مؤثری از این لحاظ بازی می کنند. در کشورهایی که تبادل آزاد اطلاعات امکان ناپذیر یا بسیار دشوار است و شهروندان صرفاً به اطلاعات گزینشی و دست کاری شده دسترسی دارند، فن آوریهای جدید امکان ارزشمندی برای جریان آزاد اطلاعات فراهم می آورند؛ مثلاً در اختیار داشتن یک تلفن همراه یا یک رایانه قابل حمل کافی است تا جهانیان را از رویدادهای جامعه ای معین آگاه کرد.

به صورت همزمان وامی دارد. حوزه عمومی مجازی نه تنها امکان اندرکنش جدی و همراه با تأمل را بسیار کاهش می دهد، از جنبه دیگری نیز با حوزه عمومی واقعی تفاوت دارد. چنان که خود ویلهلم اشاره می کند حوزه عمومی مجازی با نوعی رهایی از مجازات، ناشناختگی و غیرقابل ردیابی بودن ویژگی می یابد. انسانهایی که به این حوزه وارد می شوند کاملاً آزاد هستند و هیچ محدودیت یا امکان پیگردی را تصور نمی کنند. همین آزادی بیش از حد باعث می شود تا فضاها و حوزه های عمومی مجازی به عرصه ای برای ارائه ایده ها و دیدگاههای افراطی تبدیل شود و بی تردید چنین پدیده ای به هیچ روی با رسالت حوزه عمومی دموکراتیک سازگار نیست.

#### پانوشته ها

- 1- D. Bell, **The Coming of Post-industrial Society**, (London: 1974).
- ۲- مانوئل کاستلز، **عصر اطلاعات**، ج ۳، ترجمه جمعی از مترجمان، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰).
- 3- U. Beck, **Risk Society**, (London: Routledge, 1992).
- ۴- گیدنز در بسیاری از آثار خود از این تعبیر سود جسته است، منجمله رک: Anthony Giddens, **Modernity and Self Identity**, (Cambridge: Polity Press, 1991). همچنین رک: A.Giddens, U.Beck & S.Lash(eds.), **Reflexive Modernization**, (Stanford, ca: Stanford University Press, 1995)
- 5- H. Arendt, **The Human Condition**, (Chicago: Chicago University Press, 1958).

چنان که اندیشمندانی مانند «آرنت» بیان کرده اند حوزه عمومی حوزه ای است برای گفتن و شنیدن،<sup>(۵)</sup> و مسئولیت گوش دادن به اندازه مسئولیت سخن گفتن برای آرمانهای دموکراتیک ضرورت دارد. در چنین فرایندی است که انسانها از دیدگاههای خود در برابر دیگران دفاع می کنند و ماهیت دموکراسی هم همین است. ولی اینترنت بیش از حد به آزادی بیان برتری می بخشد و باعث تنزل مسئولیت گوش دادن می شود. فضاها و مجازی این امکان و انگیزه را به افراد می دهد تا هر آنچه می خواهند بگویند، بدون اینکه دغدغه دفاع از آن و گوش کردن به گفته های دیگران را داشته باشند.

آخرین نکته در مورد کتاب ویلهلم به کار ویژه دموکراتیک فن آوریهای ارتباطی / اطلاعاتی